

بررسی تطبیقی ریاضت و تهذیب نفس در اسلام با ادیان هند و آئین بودا

امید صادق پور^۱

رضا شعبانی^۲

سینا فروزش^۳

چکیده

یکی از پدیده‌های مشترک ادیان بزرگ جهان، توصیه و سفارش آنها به سلوک زاهدانه و مراقبه نفس است. ریاضت و تحقیر دنیا و پرهیز از لذات دنیوی از مشخصات بارز ادیان و مکاتب هندی و آئین بوداست. از طرفی در تعالیم و آموزه‌های اسلامی هم توصیه‌هایی به مسلمانان برای مراقبه نفس و خودسازی وجود دارد. مقاله حاضر به شیوه توصیفی، تحلیلی، به بررسی مقایسه‌ای ریاضت و تهذیب نفس در تعالیم اسلامی با مکاتب فلسفی هند و آئین بودا می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ادیان غیرتوحیدی هند و آئین بودا هم نظیر آموزه‌های اسلامی، تعالیمی را جهت تهذیب و تربیت انسان برای زندگی فردی، اجتماعی و رساندن او به سعادت، به پیروان خود توصیه نموده‌اند و شباهت‌هایی هم در برخی موارد میان آموزه‌های آنها وجود دارد، بخصوص آئین بودا که برای رساندن انسان به آرامش، برگزیدن یک راه میانه را بین بهره‌گیری از دنیا و ترک آن پیشنهاد می‌کند و از مکافات عمل سخن می‌گوید اما به علت اختلاف در جهان بینی، انگیزه و روح حاکم بر این اعمال در دو مکتب، بسیار باهمدیگر متفاوت است.

واژگان کلیدی

ادیان هند، بودا، ریاضت، قرآن، نهج البلاغه، رهبانیت، تهذیب نفس.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: o.sadeghpour@yahoo.com

۲. استاد گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: shabani@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

Email: dr.forouzesina@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۸/۱۵

طرح مسأله

پژوهش در ادیان مختلف جهان و آگاهی از تاریخ، اندیشه، و نوع نگاهشان به انسان و جهان و نوع معنویتی که عرضه می‌کنند، راه رابطه عالمانه و گفتگوی خردورزانه را میان ادیان خواهد گشود. همجواری، ارتباط و تعامل فرهنگی دو تمدن باستانی ایران و هند و تأثیر و تأثر آنها از همدیگر در بسیاری از مسائل، بر کسی پوشیده نیست. دین بودا که از شمال هندوستان برخاست و به بسیاری از مناطق دور و نزدیک و بخش‌های وسیعی از شرق آسیا راه یافت. (کازینز، ۱۳۸۴: ۲۱) در یک برهه ای از زمان و به خصوص در دوران حکومت‌های اشکانی و ساسانی، به مناطقی از شرق ایران هم راه یافت و قبل از ورود دین اسلام به ایران، این دین در کنار ادیان زردشتی، مسیحی و یهودی، طرفداران زیادی در خراسان و افغانستان و بخش‌هایی از آسیای میانه پیدا کرده بود که در آنزمان جزء قلمرو ایران محسوب می‌شدند. (ن. ک: کریستن سن، ۱۳۷۵: ۷۵-۷۴) از طرفی دو ملت ایران و هند از جنبه‌هایی باهم تشابهاتی دارند: از جمله هر دو از نژاد آریایی بوده و همچنین زبان سانسکریت و فارسی از یک شاخه و ریشه واحد سرچشمه گرفته‌اند و اکنون نیز دارای واژه‌های مشابه زیادی می‌باشند. (خدادادیان، ۱۳۷۶: ۵۷) مهمتر از همه آنکه دین اسلام از طریق ایران به شبه قاره راه یافته و عالمان، عارفان، صوفیان و زاهدان با مرام و روش و مسلک صوفیانه که با تساهل و تسامح همراه بوده، بیش از فتوحات جنگجویان موفق به انتشار اسلام در هندوستان شده‌اند. (ن. ک: یاری، ۱۳۸۸: ۲۳۹-۲۲۹) یکی از عوامل موفقیت عرفا در هند وجود همین زمینه‌ها و بسترهای فرهنگی مشابه به برخی آموزه‌های اسلامی در زمینه ریاضت و مراقبه و تهذیب نفس بود که بسیاری از هندوان از قبل با آن آشنایی داشتند در نتیجه به راحتی جذب طریقت‌های صوفیانه اسلامی شدند و اکنون نیز این سلسله‌ها و مشایخ صوفیه در هند احترام فراوانی نزد مردم دارند. در این میان یکی از نکات جالب و قابل توجه، بررسی تعالیم ادیان هندی و به خصوص آئین بودا در زمینه ریاضت و مقایسه آن با دستورات اسلام در زمینه خودسازی و تهذیب نفس است تا موارد مشابه و اختلاف آنها بیشتر آشکار گردد. در این نوشتار سعی شده با روش تطبیقی، وجوه اشتراک و افتراق ریاضت و مراقبه نفس، بین ادیان هند و تعالیم اسلامی روشن شود زیرا با استفاده از روش

تطبیقی می‌توان به نتایجی دست یافت که بدون بهره‌گیری از آن دست نیافتنی یا دیرباب است. مطالعات تطبیقی، شناخت یک مسأله در پرتو مقایسه است که با توصیف و تبیین نقاط اشتراک و نقاط اختلاف انجام می‌پذیرد.

فرضیه: فرض بر این است که تشابهاتی در زمینه برخی اعمال، آداب و جنبه‌ها، روش‌های تربیتی و سیر و سلوک اخلاقی بین تعالیم ادیان هند و آئین بودا با تعالیم اسلام و آموزه‌های نهج البلاغه وجود دارد ولی به نظر می‌رسد روح حاکم بر انجام این اعمال، انگیزه، هدف و غایت آنها باهم متفاوت باشد.

پیشینه و روش تحقیق

درباره ریاضت و تهذیب نفس که بخش بزرگی از تعالیم ادیان هند را به خود اختصاص داده تاکنون اثر مستقلی اعم از کتاب یا مقاله به رشته تحریر درنیامده، ولی در فرهنگ مکتوب هندوان مطالب فراوانی در این باره وجود دارد. علاوه بر وداها که مجموعه‌ای از ادعیه و آئین‌های هندوان باستان هستند و کتب دینی درجه اول آنها به حساب می‌آیند برخی کتاب‌های دینی دیگر هم مانند اوپانیشادها^۱ در همان سده‌های نهم تا ششم ق.م به نگارش درآمده‌اند و حاوی دستوراتی در باب ریاضت و مراقبه نفس هستند. علاوه بر آنها کتاب‌های دینی، فلسفی و عرفانی زیادی نظیر منوسمرتی^۲، مهابهارتا^۳، رامایانا^۴ و بهگود گیتا^۵ در میراث فرهنگی هندوستان وجود دارند که به زبان‌های مختلف دنیا و زبان

۱. اوپانیشادها (Upanishads) چهار چوب اصلی فلسفه و عرفان هندویی را تشکیل می‌دهند. این متون برای کسانی که می‌خواهند به گونه‌ای غیر مناسکی اهل دیانت باشند و از حقایق هستی به معرفت شهودی آگاهی یابند بسیار مهم است. اوپانیشادها محصول تأملات فلسفی و عرفانی افراد متعددی در طول قرن‌هاست و بین ۸۰۰ تا ۵۰۰ ق.م تألیف شده‌اند

۲. منوسمرتی (Manu-smriti) مجموعه قوانین دینی هندوئیسم است.

۳. مهابهارتا (Maha-bharata) از جمله کتاب‌های دینی و ادبی هندوان است.

۴. Ramayana

۵. بهگود گیتا (Bhagavad-gita) بخشی از مهابهارتا است که به طور مستقل مورد توجه قرار گرفته و در باب اخلاص سخن می‌گوید و از هر کتاب دینی و عقلی دیگر برای هندوان مهمتر است. این کتاب به زبان فارسی هم ترجمه شده است.

فارسی ترجمه شده اند و این منابع نیز مشتمل بر سفارش‌هایی درباره ریاضت و مراقبه نفس جهت نیل به کمال هستند که به تناسب موضوع از مطالب آنها در این نوشتار استفاده شده است. در سالهای اخیر هم پژوهشگرانی در داخل و خارج از کشور در زمینه ادیان و مکاتب فلسفی هند، مطالعه کرده و مطلب نوشته اند. کتاب‌هایی نظیر «آئین بودا»، «ادیان هند»، «کتاب بودا» و چندین اثر دیگر از آن جمله اند که از برخی مطالب آنها که به موضوع این پژوهش مربوط بوده نیز استفاده شده است.

مقالاتی نیز مانند، «کسب تواناییهای روحی از راه ریاضت» چاپ شده در مجله مبلغان ش ۶۱، «نیروانده در آیین بودا» چاپ شده در مجله هفت آسمان ش ۵، «قوانین و آئین پاتیمککه در رهبانیت بودایی» چاپ شده در پژوهشنامه ادیان ش ۹، «اخلاق بودایی، مبانی و ساحت‌ها» چاپ شده در مجله معرفت ادیان ش ۲، و چندین اثر دیگر در زمینه موضوع پژوهش به نگارش درآمده و مطالبی راجع به ریاضت و تهذیب نفس در آنها یافت می‌شود ولی هیچ کدام از آنها به طور مستقل به این موضوع پرداخته اند. از سویی راجع به رهبانیت و ریاضت و جهاد در اسلام نیز مطالعاتی صورت گرفته، و مطالبی در برخی آثار به صورت پراکنده وجود دارد اما آنچه تاکنون به صورت مستقل به آن پرداخته نشده، بررسی تطبیقی و مقایسه ای ریاضت در تعالیم اسلامی و به خصوص آموزه های نهج البلاغه با ریاضت و رهبانیت هندوان و آئین بوداست تا وجوه تشابه و تمایز آنها روشن شود که در این پژوهش به طور مستقل به آن پرداخته شده است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

هرگونه جستار در رابطه با مطالعه تعالیم ادیان بزرگ دنیا از چند جهت حائز اهمیت است: اول اینکه اطلاع از آموزه های ادیان دیگر در طول تاریخ، برای انسان جذاب بوده و همیشه انسانها نسبت به آگاهی از تعالیم دینی اقوام دیگر کنجکاو بوده اند و این مقایسه تطبیقی زمینه آشنایی اصحاب فرهنگ و دانش را با میراث دینی و معنوی آنها فراهم می‌سازد. دوم اینکه این موضوع ظرفیت پذیرش، تحلیل، تفسیر و قرائت های گوناگونی را دارا می‌باشد و می‌توان آن را با رویکردهای متفاوت مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. سوم اینکه در بررسی تطبیقی می‌توان به مسائلی نو و بدیع دست یافت که پیش تر به آنها اشاره

نشده است. با توجه به ضرورت این مبحث مطالب این پژوهش در جهت مقایسه و تحلیل ریاضت و تهذیب نفس در قرآن و نهج البلاغه با ادیان هند جمع آوری و تدوین شده است تا نقاط اشتراک و اختلاف آنها در مورد این موضوع آشکار گردد.

۱. ریاضت و رهبانیت

۱-۱. ریاضت در ادیان هند

حدود ۳۵۰۰ سال پیش، قومی که خود را آریا^۱ یعنی نجیب و شریف می خواندند و هم نژاد آریایی های ایران و اروپا بودند از شمال بحر خزر و دشت های آسیای مرکزی به اطراف رود سند و شبه قاره مهاجرت کردند. زبان آنها سانسکریت^۲ به معنای خوش ترکیب خوانده شد که با زبان اوستایی پارسیان باستان و زبان های اروپایی قرابت داشت. (ن.ک: خدادادیان، ۱۳۷۶: ۵۹-۵۸-۵۷) آئین قوم آریایی هندوستان برهمایی^۳ بود که به برهما خدای هندوان اشاره دارد. این آئین گونه ای فرهنگ و آداب اجتماعی است که با ریاضت و تهذیب نفس همراه شده و در تمدن، حیات فردی و اجتماعی مردم هندوستان نقش بزرگی ایفا کرده است. آئین هندو^۴ شکل تحول یافته ای از آئین برهمایی است که به تدریج در سرزمین هندوستان رواج یافت. (ن.ک: توفیقی، ۱۳۹۴: ۲۶-۲۵ / صادقی علوی، ۱۳۹۴: ۵) برهمنان اعتقاد داشتند برهما جهان را آفریده و مردمان را در چهار طبقه جای داده است: ۱. برهمنان^۵ (روحانیون) ۲. کشاتریاها^۶ (شاهان و شاهزادگان و جنگاوران) ۳. ویشیاها^۷ (دهقانان و بازرگانان) ۴. شودراها^۸ (کارگران و بردگان) (یاری، ۱۳۸۸: ۶۸ / هینلز ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۱۰) در آئین هندوی اولیه یا آئین برهمن برای نجات انسان و دست یابی به کمال بر قربانی و مراسم گوناگون ظاهری تأکید می شد. ریاضت و مراقبه نفس و ذکر ادعیه و اوراد، برای گرفتن حاجت و دفع بلیات در این آئین وجود داشت. در واکنش به

-
1. Arya
 2. Sam- skita
 3. Brahmanism
 4. Hinduism
 5. Brahmans
 6. Kshatriyas
 7. Vaishyas
 8. shudras

آئین هندوی اولیه، دو آئین اصلاحی پدید آمد یکی آئین جین^۱ و دیگری آئین بودا،^۲ جین و بودا دارای نقاط مشترکی بودند که محور اشتراک آنها در ریاضت و مبارزه با برهمنیزم بود. (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۸۸ / یاری، ۱۳۸۸: ۶۹)

مؤسس آئین جین در قرن ششم ق. م به دنیا پشت کرد، لباس از تن درآورد و روی به ریاضت نهاد. او برای تزکیه نفس و مراقبه اقدام به ترک دنیا و تحمل ریاضت‌های طولانی کرد. سیزده سال در این راه کوشید و گروهی از مردم به او پیوستند و رهبر خود را مهاویرا^۳ (قهرمان بزرگ) نامیدند. او مردان مجرد را به عنوان روحانیون انتخاب کرد و گروهی از زنان تارک دنیا هم پیرو او شدند. (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۳: ۸۸)

شگفت‌آورترین سنت این قوم این است که پوشیدن لباس را حرام دانستند زیرا معتقد بودند مهاویرا در حال ریاضت و ترک تعلقات دنیا، همه لباس‌های خود را بیرون آورد و تا آخر عمر برهنه به سر برد. در سال ۷۹ ق. م میان پیروان این آئین در مورد حدود برهنگی اختلاف و دو دستگی پدید آمد: فرقه آسمان‌جامگان^۴ هیچ لباسی را نپذیرفتند در حالی که فرقه سفیدجامگان^۵ استفاده از پارچه سفید را جایز دانستند. در یوزگی و خواری در آئین جین از فضایل به حساب می‌آید. به عقیده جین‌ها رستگاری بر دو اصل استوار است: یکی ریاضت‌کشی و دیگری اهی‌مسا (پرهیز از آزار جانداران) در این آئین حتی کندن زمین برای کشاورزی که ممکن است موجب کشته شدن حشرات و کرم‌های درون زمین شود حرام است و استفاده از محصولات زیر زمین مانند چغندر، هویج و سیب زمینی که کندن زمین را همراه دارد جایز نیست. (ن. ک: توفیقی ۱۳۹۴: ۴۱-۴۰-۳۹) در مقام مقایسه این اعمال ریاضتی افراطی در آئین‌های برهمنی و جینیسم با نهج البلاغه و آموزه‌های اسلامی باید گفت بسیاری از این ریاضت‌ها نظیر ترک دنیا، تجرد، برهنگی، گرسنگی، گیاه خواری و شخم زدن زمین برای جلوگیری از آزار جانداران، مورد تأیید

-
1. Jaina
 2. Buddha
 3. Maha-vira
 4. Digambra
 5. Svetambra

قرآن و نهج البلاغه نیست. چرا که مطابق قرآن، انسان اشرف مخلوقات است و خداوند بسیاری از نعمت‌ها را برای استفاده انسان خلق کرده فقط باید انسان از اسراف پرهیز کند و اعتدال را رعایت نماید. آیات زیر در ارتباط با استفاده از نعمات دنیا برای مومنین است: «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (مرکبها) برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم». (اسرا/ ۷۰)

« بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگانش آفریده و نیز روزی‌های پاکیزه را، حرام کرده؟ بگو این زینت‌ها و نعمت‌ها برای افراد با ایمان در زندگی دنیا آفریده شده و در روز قیامت خالص متعلق به اینها است». (اعراف/ ۳۲)

اگر آموزه‌های دینی می‌گویند نعمت‌های دنیا برای مؤمنان آفریده شد، همین آموزه‌ها نیز می‌گویند: «مؤمنان از متاع دنیا به حداقل اکتفا می‌کنند». (حدید/ ۲۰)

در کتاب تاریخ ادیان و مذاهب جهان نیز درباره فرهنگ و اخلاق پیروان آئین «جین» چنین آمده است: «برهنگی، بخشی از ریاضت در مذهب جین است، مؤمنان به این آئین موظف بودند لباس نپوشند و فقط ستر عورت کنند و به حداقل آن اکتفا نمایند و در سرما و گرما چنین باشند. برخی از مؤمنان از این تعلیم و دستور مذهبی اطاعت کرده و برخی به آن وقعی نمی‌نهند این ریاضت برهنگی و گرسنگی در آئین جین برای رسیدن به مقامی بزرگ لازم بود. انتحار بخشی از این ریاضت بود. این اقدام می‌توانست از طریق اعمال ریاضت‌های سخت صورت گیرد. گیاه خواری زندگی زاهدانه آئین جین است و چنین امساک می‌تواند ریشه‌پلید مادیت را از ذات آدمی برکند و نورانی‌گردد تا دچار بلای تناسخ نشود». (ن.ک: مبلغی آبادانی، ۱۳۷۳، جلد اول: ۹۰-۸۹)

در آموزه‌های نهج البلاغه هم برخلاف تعلیم برخی ادیان و مکاتب فلسفی هند، هیچ سفارشی به ترک دنیا و ریاضت افراطی و سخت‌گیری بیش از توان، نظیر در آوردن لباس و برهنگی، تجرد و گوشه‌گیری و بریدن از اجتماع نشده و به عبارت دیگر مطابق تعلیم نهج البلاغه که هماهنگ با روح اسلام و قرآن است، پرهیز از محرمات شرعی و انجام وظایف دینی و اخلاقی در قبال خود، خدا و مردم بالاترین ریاضت است، (ن.ک: اسد

علیزاده، ۱۳۸۳: ۷۲-۷۱) و انجام اعمال سخت و طاقت فرسا، هیچ جایگاهی در این تعالیم ندارد:

«أَيُّهَا النَّاسُ، الزَّهَادَةُ قِصْرُ الْأَمَلِ، وَالشُّكْرُ عِنْدَ [عَنِ] النَّعْمِ، وَالتَّوَرُّعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ، فَإِنْ عَزَبَ ذَلِكَ عَنْكُمْ فَلَا يَغْلِبِ الْحَرَامُ صَبْرَكُمْ» (خطبه/ ۸۱) ای مردم! «زهد» همان کوتاهی آرزو، و شکر و سپاس در برابر نعمت، و پارسایی در برابر گناه است. و اگر نتوانستید همه این صفات را فراهم سازید، لااقل مراقب باشید حرام بر اراده و صبر شما چیره نگردد- این تعالیم انسان را به تحمل سختیها، مبارزه با نفس و مراقبه توصیه می کنند. اماریاضت در نهج البلاغه چیزی نیست جز اهتمام بیشتر به بندگی خدا و تقوا که باید با قصد تقرب الی الله باشد.

همانطور که ذکر گردید در جینیسم بر ریاضت مطلق تأکید شد اما موسس آئین بودا «سیدارته گوتمه^۱» که فرزند حاکم شهری در شمال هندوستان بود برای نیل به نجات، در سن ۲۹ سالگی از کاخ و ناز و نعمت دنیا فرار کرد و برای نیل به حقیقت، زندگی راهبان را برگزید و پس از شش سال تحمل ریاضت سخت و طاقت فرسا، هنگامی که از وصول به حقیقت از این طریق نومید شد آن را کنار گذاشت و به تأمل، تفکر و مراقبه معنوی روی آورد. (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۷۲ / صادقی علوی، ۱۳۹۴: ۶ / آزادیان، ۱۳۹۰: ۱۴۴)

بودا خود نجیب زاده ای بود که در خانواده ای اشرافی به دنیا آمد و تا مدتی هم در ناز و نعمت به سر می برد اما بعد از رسیدن به سنین میانسالی به تفکرات عمیقی در باب حیات و جهان و مرگ و زندگی پرداخت و در جستجوی راهی برای نجات بشریت از چرخه درد و رنج افتاد. او برای رهایی بشر از رنج فراگیر و درمان آن، نسخه ای تجویز کرد که به راه هشت گانه معروف است. در این میان یکی از راه های مهم نجات و نسخه شفابخش بودا برای رهایی از رنج، راه تهذیب نفس و مراقبه و فرزاندگی است.

سرآغاز دین بودایی را می توان جنبش «تارکان دنیا» نامید. این جنبش نیز همچون چند جنبش مشابه آنزمان در مخالفت و واکنش به دین برهمنی، که ارزش زیادی برای

زندگی دنیوی و آئین های آن قائل بود شکل گرفت. (عدلی، ۱۳۹۰: ۷۰) او پس از بیداری، نخستین خطابه خود را در میان راهبانی که زمانی با آنها مشغول ریاضت بود ایراد کرد. وقتی آنها از او پرسیدند حقیقت چیست بودا گفت سرآغاز حکمت و دانایی اطلاع از قانون کارما^۱ است: از نیکو نیک پدید می آید و از بدی بد. آنچه او کشف کرد یک قانون ساده و طبیعی بود و آن اینکه بر جهان قانون پاداش و کیفر حکمفرماست (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۷۲) انسان در هر نقطه و مکانی از کره زمین قادر به فرار از مکافات عمل خود نخواهد بود: «نه در آسمان و نه در دریا، و نه اگر در شکاف کوه ها پنهان شویم نقطه ای پیدا نمی شود که انسان بتواند از مکافات عمل خود به آنجا پناه ببرد... مطمئناً اگر موجودات جاندار به چشم خود آثار و تبعات کارهای بد خود را می دیدند، با تنفر از آن کارها گریزان می شدند.» (هیوم، ۱۳۷۳: ۱۰۸)

در این باره یکی از سنتهای الهی که قرآن کریم و آموزه های نهج البلاغه هم بر آن تاکید دارند، همان مکافات عمل و پاداش و جزای دنیوی اعمال خیر و شر است. امام در نامه ای که به قثم بن عباس حاکم مکه نوشته، در بخشی از سخنانش در این باره اشاره کرده که: «و لن یفوز بالخیر الا عامله، و لا یجزی جزاء الشر الا فاعله» (نامه/ ۳۳) در باب کار نیک، جز عامل او به پاداش نهائی دست نیابد و در شر و بدی نیز جز انجام دهنده آن به کیفر نرسد.

حقیقتی که بودا بدان دست یافته این بود که همه قوانین طبیعت استوار و ثابت هستند و هیچگاه آب سربالا نمی رود و آتش همیشه داغ و یخ همواره سرد است. بنابراین این قوانین تغییرناپذیرند و در نتیجه دعا و قربانی به درگاه برهمن تغییری در این قوانین ثابت طبیعت ایجاد نمی کنند. او حتی برهما را به عنوان آفریدگار جهان قبول نداشت و معتقد شد جهان آغاز و انجامی ندارد. (ن.ک: توفیقی، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۴ / آزادیان، ۱۳۹۰: ۱۴۸) نخستین خطابه بودا چنین است: «ای راهبان گوش های خود را باز کنید که راه نجات یافت شده است. کسانی نجات می یابند که از دو افراط و تفریط دوری گزینند. یکی زندگانی این

دنیاست که لذت و خوشی را به دنبال دارد و غیر حقیقی است و دیگری راه ریاضت و پشت پا زدن به دنیاست که ناهموار و مشکل است. بودا از هر دو راه دوری جسته و راهی میانه را در پیش خواهد گرفت که به چشم و ذهن روشنایی می بخشد و منجر به بیداری می شود.» (شایگان، ۱۳۶۲: ۱۳۸)

اندیشه های اصلاحی بودا در مخالفت با تعصب های برهمنان بود و اختلاف طبقاتی جامعه و ریاضت های سخت را زیر سوال می برد. بودا برای رسیدن به نجات و روشنی عقیده داشت از دو چیز باید پرهیز کرد یکی زندگانی پر از لذت که زائیده خودخواهی است و دیگری ریاضت شدید و زندگی پر از درد و رنج، زیرا هیچ یک از این دو راه به سعادت منتهی نمی شود. بودا راه درست را برگزیدن یک راه میانه، بین لذت و رنج دانست که از راه رعایت اصول هشتگانه به دست می آمد. (توفیقی، ۱۳۹۴: ۴۵)

همانگونه که از خطابه پیداست بودا بر خلاف آئین برهمنان و جین که بر ریاضت تأکید می کردند یک راه میانه را در پیش گرفت که از افراط و تفریط جلوگیری می کرد و از این جهت شبیه تعالیم نهج البلاغه است که همیشه انسان را به استفاده محدود و مشروع از امکانات دنیا و لذت های آن دعوت می کند اما از دل بستگی و غرق شدن در آن نهی می نماید: « كَانُوا قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ لَيْسُوا مِنْ أَهْلِهَا فَكَانُوا فِيهَا كَمَنْ لَيْسَ مِنْهَا عَمِلُوا فِيهَا بِمَا يُبْصِرُونَ ». (خطبه/۲۳۰)

از آنجا که از نظر بودا زندگی دنیوی سراپا بدبختی و رنج است؛ هدف ریاضت و تصوّف هندی رهایی از سختی و نکبت های زندگی است، در حالی که از دیدگاه علی (ع) زندگی بدبختی نیست بلکه انسان به خاطر تأمین سعادت نهایی و کمال والای خویش زحمت می کشد و گرنه زندگی به خودی خود رنج و بدبختی نیست و حتی عرفای بزرگ از لذاذد حلال زندگی بهره می گیرند.

بودا برای تربیت انسان وارسته (ارهت) در زمینه فردی و اجتماعی تعالیمی را جهت ممنوعیت و پرهیز از انجام برخی اعمال تجویز کرده که نمی توان نام آن را ریاضت افراطی نهاد بلکه به نوعی انتخاب همان راه میانه است که هر چند ممنوعیت هایی را برای فرد ایجاد می کند ولی آنچنان سخت و طاقت فرسا نیست که موجب آزار و محرومیت فرد از

خوشی های دنیا گردد. برخی از این پرهیزها عبارتند از خودداری از کشتن جانداران، شراب خواری، دروغ گویی، پر خوری، لهو و لعب، آرایش و تجمل، و خودداری از استفاده از بستر نرم و پذیرفتن زر و سیم. (آزادیان، ۱۳۹۰: ۱۵۰ / توفیقی، ۱۳۹۴: ۴۶)

اما هدف بودا از سفارش پیروان به ریاضت و ترک دنیا آن بود که او اعتقاد داشت بر اساس اصل تناسخ انسان ها بر اساس کارهای زشت خود بارها و بارها در بدن های گوناگون و به صورت های مختلف در همین جهان دوباره زاده می شوند و زندگی بعدی انسان، بستگی به چگونگی زیستن و نحوه انجام اعمال در حیات کنونی آنها دارد، (ن. ک: توفیقی، ۱۳۹۴: ۳۷-۳۶) اما هر انسانی می تواند با پیوستن به سلک تارکان دنیا از حیات مجدد و رنج آن خلاصی یابد: «هر کسی چه برهنه باشد و چه خدمتکار، باید عواقب اعمال خودش را در حیاتی دیگر تجربه کند... هر کس می تواند به سلک تارکان دنیا در آید تا یکسره از زایش دوباره خلاصی یابد.» (کریدرز، ۱۳۷۳: ۴۷)

۱-۲. ریاضت در قرآن و روایات

در قرآن کریم به بحث ریاضت تحت عنوان «رهبانیت» پرداخته شده و در آیات ۲۶ و ۲۷ سوره حدید چنین آمده است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (۲۶) ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابِيَةٌ أَتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَا عَلَيْهَا إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَارِعُوهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (۲۷).

در تفسیر این آیات میان مفسران اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد و اکثر آنها رهبانیت و ریاضت در اسلام را مردود می دانند ولی علامه طباطبایی پس از جمع بندی دیدگاه های مختلف، رهبانیت را بدعتی حسنه می داند اگرچه خداوند آن را تشریح نکرده اما مورد رضایت و خشنودی او قرار گرفته است. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۹: ۳۰۵) در بحث روایی رهبانیت، علامه طباطبایی سخنی را به نقل از مجمع البیان از پیامبر نقل می کنند که علت پیدایش آن را در قوم بنی اسرائیل مشخص کرده و نظر و دیدگاه خودش را در این باب روشن می سازد: «یا ابن ام عبد هل تدری من این أحداث بنو اسرائیل الرهبانیه؟ فقلت

الله ورسوله أعلم، فقال: ظهرت عليهم الجابرة بعد عيسى (ع) يعملون بمعاصي الله فغضب أهل الايمان فقاتلوهم، فهزم أهل الايمان ثلاث مرات فلم يبق منهم إلا القليل، فقالوا: ...» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۹: ۳۰۷ / مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۴: ۲۷۷)

پیامبر در این گفتار منشأ پیدایی رهبانیت را تسلط سلاطین ظلم و جور بعد از عیسی (ع) بر مومنان می‌داند که با اعمال خشونت و کشتار، موجب گوشه‌گیری و انزوای آنها و پراکنده شدنشان در کوه‌ها شده‌اند. اما در ادامه می‌فرماید که رهبانیت امت من در هجرت، نماز و روزه و حج است.

بیشترین بدبینی راجع به رهبانیت در میان مسلمانان ناشی از حدیثی منسوب به پیامبر است که فرموده رهبانیت در اسلام وجود ندارد: «...یا عثمان إن الله تبارک وتعالی لم یکتب علینا الرهبانیة، إنما رهبانیة امتی الجهاد فی سبیل الله، ...» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸: ۱۷۰) گفته‌اند هنگامی که همسر عثمان بن مظعون از بی‌توجهی‌های همسر خود به پیامبر شکایت برد که خانه‌اش را مسجد قرار داده و هر کار را جز عبادت ترک کرده بود، پیامبر جانب زن را گرفت و حق را به او داد و فرمود رهبانیت برای ما مقرر نشده است. رهبانیت امت من در جهاد است. اشاره به اینکه اگر می‌خواهی پشت پا به زندگی مادی بزنی این عمل را به صورت منفی و انزوای اجتماعی انجام مده، بلکه در یک مسیر مثبت، یعنی جهاد در راه خدا، آن را جستجو کن.

۱-۳. ریاضت در نهج البلاغه

امام العارفین برخلاف راهبان و تارکان دنیا معتقد به بهره‌گیری و استفاده مشروع از امکانات و لذت‌های دنیاست منتهی رعایت اعتدال بین دنیا و آخرت را شرط اساسی بندگان خدا می‌داند: «واعلموا عبادالله أن المتقین ذهبوا بعاجل الدنیا و آجل الآخرة فشارکوا أهل الدنیا فی دنیاهم ولم یشارکوا أهل الدنیا فی آخرتهم» (نامه/ ۲۷) - در این قسمت امام، اهل دنیا و آخرت را در استفاده از دنیا شریک می‌داند؛ ولی برای اهل آخرت یک ویژگی قابل می‌شوند و آن استفاده اهل آخرت از نعمات الهی در آخرت است. در ادامه این خطبه امام نیاز انسان‌های مؤمن به رفاه را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ کما اینکه امام سجاد علیه السلام نیز در دعای خود به درگاه الهی می‌فرماید: «جز آن نیست که نفس

خویش را با پرهیزکاری ریاضت می دهیم.» (نامه / ۴۵)

بنابراین از نظر امام ریاضت همان ورزیدگی روحی، مبارزه با نفس و خودسازی است. در این نوع ریاضت های الهی قصد و انگیزه قرب الهی است در حالیکه در ریاضت های هندوان اهداف دیگری نظیر تقویت اراده، ارتزاق، شهرت و یا رسیدن به نیروانا و رهایی از تناسخ و حیات دوباره مد نظر است. (ن.ک: اسدعلیزاده، ۱۳۸۳: ۷۴-۷۰) امام (ع) از امکانات و لذت های دنیا به حداقل اکتفا می کرد و زندگی خود را با فقیرترین مردمان هماهنگ می نمود تا فقیران، فقر برایشان قابل تحمل شود. او در نامه ای در ضرورت ساده زیستی به عثمان بن حنیف می فرماید: «بدانید که پیشوای شما از دنیای خود به دو جامه کهنه و فرسوده و از خوراکش به دو گرده نان بسنده کرده است.» (نامه / ۴۵)

علی (ع) در نهج البلاغه در اوصاف پارسایان و سیمای متقین و میزان و چگونگی استفاده از نعمات دنیا می فرماید: «مؤمنان و پارسایان، درخواست هایشان از دنیا اندک است» (خطبه / ۱۹۳)

۲. تهذیب و مراقبه و خودسازی

۲-۱. مراقبه نفس در آئین بودا

همانگونه که ذکر گردید بودا برای رسیدن به نجات و روشنی عقیده داشت از دو چیز باید پرهیز کرد یکی زندگانی پر از لذت که زائیده خودخواهی است و دیگری ریاضت شدید و زندگی پر از درد و رنج، زیرا هیچ یک از این دو راه به سعادت منتهی نمی شود. بودا راه درست را برگزیدن یک راه میانه، بین لذت و رنج دانست. او برای رهایی از رنج و رسیدن به نیروانا^۱ نسخه ای را تجویز کرد که شامل رعایت هشت خوی و خصلت پسندیده بود که با توجه و دقت در بندهای آن، می توان به اختصار آن را رعایت اخلاق و تهذیب نفس نامید که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. بودا معتقد بود: «اخلاق عبارت است از ادامه راهی که با صلح، صدق و راستی همراه است و خود از هر نظر منضبط باشد راهی که چنان سنجیده شده باشد که نه موجب آزار خود آدم شده باشد و نه موجب آزار دیگران.» (کریدرز، ۱۳۷۳: ۱۱۹)

آموزه‌های بودا درباره رنج انسان و چگونگی رهایی از آن در چهار حقیقت متبلور می‌شود: «نخستین حقیقت این است که دوکه^۱ (رنج) وجود دارد. زادن، بیماری، غم و اندوه، نومی‌دی، پیرشدن و ... همه رنج است. همه تجربه‌های زندگی در لفافه‌ای از رنج به دست می‌آیند. گرفتاری‌های بزرگ و کوچک زندگی همه رنج هستند» (ن، ک: کریدرز، ۱۳۷۳، ۹۴-۹۵ / مبلغی آبادانی، ۱۳۹۴: ۹۳ / خواجه‌گیر، ۱۳۹۵: ۱۳۱) از دیدگاه بودا دومین حقیقت شریف علل بروز رنج است. از آنجا که بودا هستی و زندگی را سراسر رنج و درد می‌دانست در نتیجه تمنا و آرزو که باعث هستی مکرر می‌شدند را از جمله عوامل بروز رنج می‌دانست: «تنها عطش یا تمناست (تانها)^۲ که باعث هستی مکرر می‌شود که با اشتیهای برانگیخته گره خورده، که گاه اینجا و گاه آنجا در جست و جوی لذت تازه است باعث بروز رنج می‌شود.» (کریدرز، ۱۳۷۳: ۱۰۵ / مبلغی آبادانی، ۱۳۹۴: ۹۳ / خواجه‌گیر، ۱۳۹۵: ۱۳۲)

سومین حقیقت از نظر بودا علاج رنج است. او بر خلاف عقیده رایج زمان خود معتقد بود انسان با اراده و اختیار خود می‌تواند نسبت به درمان و انقطاع رنج اقدام کند: «آدمی می‌تواند در محدوده زندگی خود، رفتار خود را تغییر دهد و با مشاهده جهان بدانگونه که هست، شر نادانی را از سر خود رفع کند... آدمی می‌تواند به کمک انضباط حساب شده تارکان دنیا نیروی تمنا را در خود مهار کند.» (کریدرز، ۱۳۷۳: ۱۱۸)

چهارمین حقیقت دربردارنده نسخه و دارو برای التیام درد و رنج است که آن را معمولاً در قالب راه‌های هشتگانه^۳ مطرح می‌کنند که عبارتند از:

۱. فکر درست؛ ۲. فهم درست؛ ۳. توجه درست؛ ۴. تمرکز درست؛ ۵. گفتار درست؛
۶. اعمال درست؛ ۷. معاش درست؛ ۸. تلاش درست (کریدرز، ۱۳۷۳: ۱۱۸ / توفیقی، ۱۳۹۴: ۴۶-۴۵ / خواجه‌گیر، ۱۳۹۵: ۱۳۳) در این آئین از مبارزه با نفس به عنوان جهاد اکبر نام برده شده است: «جهاد با نفس جهاد اکبر است و چیره شدن بر خویشتن، فتحی عظیم تر از شکست دادن هزار مرد در میدان نبرد باشد» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۲۲) این سخن بوداست

1. Dukkha
2. Tanha
3. Magga

که: « نفس را به دست خویش مهار کنید، شادی کنید به پایان امیال» (آزادیان، ۱۳۹۰: ۱۵۴)

در تعالیم بودا مبارزه با نفس و مراقبه، موجب فراهم شدن زمینه بروز و ظهور استعدادهای روحی در آدمی می گردد. تحقیر دنیا و پرهیز از لذائذ دنیوی از مشخصات آموزه های آئین بودا به پیروان است: «کسی که گوشه ای بگزیند و به کم خوردن خو کند و سخن و بدن و دل را زیر کرده، دامن از صحبت خلق فرا چیند و پیوسته به مراقبه اشتغال نماید، آن شخص لایق خلاصی می گردد.» (داراشکوه، ۱۳۵۹: ۱۳۴) و این سفارش بسیار شبیه به توصیه امام در نهج البلاغه است که مسلمانان را به ساده زیستی و قناعت دعوت می کند و از آنجا که همیشه حب دنیا بزرگترین مانع راه سعادت انسانها بوده و شیفتگی نسبت به زرق و برق آن، سرچشمه ی انواع گناهان می باشد، لذا در نهج البلاغه از آن نکوهش شده است، در کلام امام سادگی و ساده زیستی و سفارش به آن موج می زند: «ای نوف خوشا به حال آنان که از دنیای حرام چشم پوشیدند، و دل به آخرت بستند، آنان مردمی هستند که زمین را تخت، خاک را بستر، آب را عطر، و قرآن را پوشش زیرین، و دعا را لباس روئین خود قرار دادند، و با روش عیسای مسیح با دنیا بر خورد کردند.» (حکمت / ۱۰۴)

کتاب « وینیه پیتکه » قاعده نامه مفصلی است که می کوشد به تمام امور زندگی روزمره بودائیان نظام ببخشد. در این نوشته هفتاد و پنج حکم درباره رفتار و منش نیکو آمده است تا راه و روش درست زندگی فردی و اجتماعی را به راهبان و بودائیان آموزش دهد. طبق این قوانین برای نیل به نیروانا فرد باید به زندگی راهبانه روی آورد و لحظه ای از مراقبه غافل نشود. شعار اصلی وینیه پیتکه برای اینگونه زیستن قناعت و « به کم راضی شدن است » یعنی باید انسان بر امیال و آرزوهایش فائق آید. جوهره اصلی این شعار « ساده زیستی » است یعنی فرد باید به حداقل دارایی و امکانات زندگی راضی باشد. (عدلی، ۱۳۹۰: ۷۹)

راهبان و راهبه های بودایی بیش از دیگران ملزم به رعایت این قوانین اخلاقی هستند مثلاً: مایملک آنها نباید از چند قلم کالا تجاوز کند و یک ردا همراه با تیغ و کاسه گدایی برای آنها کفایت می کند. علائم یک بودایی معتقد به مذهب آن است که به نشانه ریاضت

سر و صورت خود را بتراشد، یک ردای زرد به نشانه اضطراب درونی بپوشد، روزی چند ساعت به تأمل و تفکر پردازد، کشکول گدایی بر دوش بیاندازد تا روح غرور و نخوت در او طغیان نکند و این عمل روح تسلیم و آرامش را در او تقویت کند. (ن، ک: مبلغی آبادانی، ۱۳۷۳: ۹۴-۹۳ / آزادیان، ۱۳۹۰: ۱۵۰)

بودا به پیروان خود سفارش می‌کند تا این سیر و سلوک را با هدف تقویت اراده و خویشتن‌داری و ترک گناه انجام دهند: «ای رهروان، سیر و سلوک را نه برای فریفتن یا از راه به در کردن مردم و نه برای کسب سود و نام و با این اندیشه که مردمان مرا بشناسند بلکه این اعمال را به قصد خویشتن‌داری و ترک در پیش گیرید.» (پاشایی، ۱۳۸۳، سوره ۳۵: ۵۳)

او خطاب به رهروی که موی سر و صورت خود را تراشیده، خرقه زرد بر تن کرده، ترک خانمان کرده و زندگی بی‌خانه‌مانی در پیش گرفته تأکید می‌کند که نیت این اعمال فقط باید جنگیدن با ماره باشد (همان منبع، سوره ۸۲: ۱۰۴) کسانی که به مقام نیروانه نرسند در چرخه و گردونه تناسخ گرفتار می‌گردند. از نظر بودا، زندگی دنیوی به مانند حرکتی دوری است که طی آن روح به صورت تناسخ از قالبی به قالب دیگر منتقل شده و همیشه گرفتار عمل و عکس‌العمل است. جهان مادی پر مشقت و اساس آن بر درد و رنج است و باید با رعایت اصول اخلاقی و تزکیه نفس و تحمل ریاضت برای رسیدن به نجات (نیروانه) تلاش کرد. (ناس، ۱۳۸۷: ۱۹۷ / ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۲۳ / توفیقی، ۱۳۹۴: ۳۷)

نیروانه در آئین بودا و باب‌السلامه در نهج‌البلاغه هر دو غایت مراتب سیر و سلوک هستند ولی باید این نکته را در نظر داشت که نیروانه به معنای زوال و نیستی و فناى مطلق بوده که یک فرد بودایی با رسیدن به این مقام از تناسخ و تولد دوباره و رنج هستی نجات می‌یابد ولی باب‌السلامه در نهج‌البلاغه به معنای رسیدن به سعادت جاوید و مقام قرب الهی است.

۲-۲. تهذیب و مراقبه نفس در قرآن و نهج‌البلاغه

باید توجه داشت که زهد اسلامی غیر از رهبانیت است. رهبانیت، بریدن از مردم و روآوردن به عبادت است. بر اساس این اندیشه کار دنیا و آخرت از یکدیگر جداست. اما زهد اسلامی در عین حال که مستلزم انتخاب زندگی ساده و بی‌تکلف می‌باشد، بر اساس

پرهیز از تجمل و لذت‌گرایی است و در متن زندگی و روابط اجتماعی قرار دارد. هرچند در سیره پیامبر تاکید به زهد اسلامی به معنی دل‌ن بستن به دنیا شده است، ولی از زهد افراطی به معنی رهبانیتی که در میان مسیحیت مشهور و معروف بوده است، نهی شده است. علمای اسلام با استناد به قرآن و احادیث نبوی، رهبانیت را امری پسندیده نمی‌دانند اما این مسأله به معنای رد زندگی زاهدانه نیست و در قرآن بارها از عناصر اصلی زندگی زاهدانه نظیر تهجد و شب‌زنده‌داری یاد شده است: «و من اللیل فتهجد به نافله لک عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا» (اسراء/ ۷۹) و بعضی از شب‌را بیدار باش و تهجد کن که این نماز شب امری اضافی و واجب برای توست، امید است که پروردگارت تو را به مقامی ستایش شده برانگیزد.

و به روزه‌داری توجه فراوانی شده: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ ... وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا». (احزاب/ ۳۵)

ولی ترک دنیا و افراط در آن، نظیر تجرد یا بخشش کل دارایی به دیگران تحت عنوان صدقه یا انفاق را سفارش نمی‌کند. (اسراء/ ۲۶)

از نهج البلاغه چنین برمی‌آید که انسان با تزکیه و تهذیب نفس می‌تواند با اصلاح درون خویش به سوی خدا گام بردارد و به سعادت ابدی دست یابد و با تربیت نفس از گناه دوری کند و رضا و خشنودی پروردگار را فراهم آورد. امام علی (ع) درباره مبارزه با نفس (که در واقع همان ریاضت شرعی است) می‌فرماید: «خداوند رحمت کند بر کسی که شهوت خود را مغلوب و هوای نفس را سرکوب کند، زیرا این نفس دورترین چیز از نظر مغلوب شدن بوده که پیوسته خواهان نافرمانی و معصیت است. بندگان خدا بدانید که انسان با ایمان، شب‌را به روز و روز را به شب نمی‌رساند، جز آنکه نفس خویش را متهم می‌داند، همواره نفس را سرزنش می‌کند و گنه‌کارش می‌شمارد. (خطبه/ ۱۷۶)

امام در مورد راه مبارزه با هواپرستی می‌فرماید: «وَقَالَ مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ» (حکمت/ ۴۴۹) کسی که به مقام شامخ خود پی‌ببرد، از رذایل دوری خواهد کرد. خودسازی سبب می‌شود که انسان در درون خود به تعادل برسد. قوای

نفسانی خود را تعدیل کند و خویش را از بند دلبستگی‌ها و اسارت دشمنان گوناگون داخلی (نفس اماره) و خارجی (شیطان) برهاند و به اختیار خود به آزادی برسد و مالک نفس خود شود.

اما درست است که ریاضت هندوان هم از جهاتی شبیه به تهذیب نفس و خودسازی نهج البلاغه است و آنها هم از لذایذ و خوشی‌های مادی دوری می‌کنند و به توانایی‌هایی هم دست می‌یابند (اسدعلیزاده، ۱۳۸۳: ۷۱) اما اینگونه تارک دنیا شدن و از خلق بریدن که اغلب با هدف تقویت نفس و کسب شهرت است و در پی رضای پروردگار نیست و هدف متعالی ندارد مورد تأیید امام علی و آموزه‌های دین اسلام نیست و هیچ‌گونه کمال معنوی و قرب الهی ندارد.

امام علی (ع) در وصف سالک الی الله و کسی که بر هوای نفسش غالب شده در نهج البلاغه چنین آورده است: «عقلش را زنده کرد و نفس خویش را کشت، تا آنجا که جسمش لاغر، و خشونت اخلاقش به نرمی گرایید، برقی پر نور برای او درخشید، و راه را برای او روشن کرد و در راه راست او را کشاند و از دری به در دیگر برد تا به در سلامت و سرای جاودانه رساند، که دو پای او در قرارگاه امن با آرامش تن، استوار شد. این، پاداش آن بود که دل را درست به کار گرفت، و پروردگار خویش را راضی کرد.» (خطبه / ۲۲۰) مطابق این خطبه انسان کامل و پوینده راه خدا، انسان سالک است و انسان کامل باید انسانی باشد که تهذیب نفس کرده باشد، و مرحله به مرحله پیش رفته تا به مقامی می‌رسد که به آن "باب السلامه" می‌گویند. به آنجا که برسد، به نهایت راه رسیده است. که اگر انسان به آنجا برسد، بین او و خدا حجابی نیست و خدا را با دیده دل می‌بیند.

یکی از شباهت‌های تهذیب نفس در آئین بودا و نهج البلاغه این است که در مکاتب فلسفی هند هم طی طریق و گذشتن از مراحل (راه هشتگانه) برای رسیدن به کمال و سعادت لازم است. هر دو مکتب معتقد به پیشرفت تدریجی و گام به گام برای رسیدن به غایت و فنا هستند. سالکان بودایی با نردبان اخلاق خود را از رنج هستی رهانده و به مقصد اعلای زیستن یعنی نیروان می‌رسند، و زاهدان مسلمان هم با مراقبه و تهذیب نفس خود را به باب السلامه می‌رسانند.

نتیجه گیری

ادیان غیرتوحیدی هند و آئین بودا هم نظیر دین اسلام، تعالیمی را جهت تربیت انسان برای زندگی فردی و اجتماعی و رساندن او به سعادت و آرامش به پیروان خود توصیه نموده اند. بسیاری از این آموزه ها نظیر ساده زیستی و دل نبستن به دنیا، دوری از تجمل گرایی و زرق و برق آن، اندیشه و گفتار و رفتار و معاش درست و پرهیز از دروغ، دزدی، مستی و دشمنی و ... همراه با کنترل و مراقبه نفس از جمله تعالیمی است که در قرآن، احادیث نبوی و خطبه ها و نامه های امام علی (ع) در نهج البلاغه هم به صورتی کامل تر به آنها سفارش شده است ولی آنچه وجه تمایز و اختلاف آنهاست این است که اولاً بسیاری از تعالیم ادیان هندی در این زمینه، نظیر تجرد، گیاه خواری، برهنگی و گرسنگی، خرافی، افراطی و موجب ترک دنیاست در حالی که در اسلام به جای رهبانیت و گوشه گیری به حضور در اجتماع و کار و تلاش سفارش شده و انجام اعمال سخت و طاقت فرسا جایگاهی ندارد و ریاضت در قرآن و نهج البلاغه همان ریاضت شرعی و انجام تکالیف و امور دینی است که حتی همین تعالیم هم نظیر روزه گرفتن و شب زنده داری برای کسانی مانند سالمندان و بیماران که توانایی انجام آن را ندارند تکلیف واجب شمرده نشده است. ثانیاً اختلاف موجود در انگیزه ریاضت و مراقبه نفس در ادیان و مکاتب فلسفی هند با مقاصد ریاضت و تهذیب نفس در آموزه های اسلامی و نهج البلاغه را می توان در نگاه و دیدگاه این دو مکتب به هدف و مقصد و غایت کمال انسان جستجو کرد. در تعالیم بودا چون اعتقادی به خدا و آفریننده جهان نیست بنابراین شناختی کامل و دقیق از فلسفه حیات انسان وجود ندارد و از یک بنیان محکم اعتقادی و فلسفی برخوردار نیست. غایت یک انسان بودایی نجات یافته رسیدن به مقام نیروانا و رهایی از گردونه تناسخ و تولد مکرر و رنج حیات است در حالیکه مطابق آنچه که از تعالیم اسلامی و خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار نهج البلاغه برمی آید هدف از ریاضت و تهذیب نفس، مطیع ساختن نفس اماره و لطیف کردن روح، برای جلب خشنودی پروردگار و رسیدن به مقام قرب الهی « باب السلامه » می باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابوالقاسمی، سیده مریم. (۱۳۸۹) « بررسی تطبیقی عرفان ایرانی با ادیان و مکاتب فلسفی هند» فصلنامه تحقیقات دانشگاه الزهراء، سال هفتم، شماره ۱۴، صص ۱۴۸-۱۱۵.
۳. آزادیان، مصطفی. (۱۳۹۰) « اخلاق بودایی، مبانی و ساحت ها » مجله معرفت ادیان، سال دوم، ش ۲، صص ۱۴۳-۱۶۸.
۴. اسدعلیزاده، اکبر (۱۳۸۳) « کسب توانائیه‌های روحی از راه ریاضت » مجله مبلغان، شماره ۶۱، صص ۷۴-۷۰.
۵. پاشایی، عسکر. (۱۳۸۳) چنین گوید او (ایتی ووتکه) چاپ اول، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۶. توفیقی، حسین. (۱۳۹۴) آشنایی با ادیان بزرگ، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات سمت
۷. خدادادیان، اردشیر. (۱۳۷۶) تاریخ ایران باستان (آریایی ها و مادها)، چاپ اول، تهران: انتشارات اصالت تشیر.
۸. خواجه گیر، علیرضا و کمالی، زینب (۱۳۹۵) « مراتب شناخت در عرفان مولوی و آئین بودا»، فصلنامه علمی-پژوهشی ادبیات عرفانی زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۵-۲۷.
۹. داراشکوه، محمد. (۱۳۵۹) بهگودگیتا، تصحیح دکتر محمدعلی موحد، تهران: انتشارات خوارزمی.
۱۰. دشتی، محمد. (۱۳۸۵). ترجمه نهج البلاغه، چاپ دوم، تهران: انتشارات دارالفکر.
۱۱. شایگان، داریوش. (۱۳۶۲) ادیان و مکتب های فلسفی هند، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۲. صادقی علوی، محمود. (۱۳۹۴) تاریخ اسلام در شبه قاره هند، چاپ اول، تهران:

انتشارات دانشگاه پیام نور.

۱۳. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۶۳) المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۴. عدلی، محمدرضا (۱۳۹۰) «قوانین و آئین پاتیمکها در رهبانیت بودایی» پژوهشنامه ادیان، سال پنجم، شماره ۹، صص ۶۹-۸۵.

۱۵. کازینز، ال. اس. (۱۳۸۴). آئین بودا، ترجمه علیرضا شجاعی، چاپ اول، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

۱۶. کریدرز، مایکل. (۱۳۷۳) بودا، ترجمه علی محمد حق شناس، چاپ دوم، تهران: انتشارات طرح نو.

۱۷. مبلغی آبادانی، عبدالله. (۱۳۷۳) تاریخ ادیان و مذاهب جهان، جلد اول، قم: انتشارات منطق.

۱۸. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ ق) بحارالانوار، جلد ۸، بیروت: انطباعات موسسه الوفا.

۱۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲) خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ سی و یکم، تهران: انتشارات صدرا.

۲۰. ناس. جان بایر. (۱۳۸۷) تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تصحیح پرویز اتابکی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۱. هینلز، جان راسل. (۱۳۸۵) راهنمای ادیان زنده جهان، ترجمه دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم: انتشارات بوستان.

۲۲. هیوم، رابرت. (۱۳۷۳) ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۳. یاری، سیاوش. (۱۳۸۸) تاریخ اسلام در هند، چاپ اول، قم: نشر ادیان.

